Propagation of Religion with the Focus on the Psychological-Educational Role of (Attraction of Ahl-o-al-Bayt pbut)

Seyyed ahmad rahnamai

Recived Data: ۲۲/۶/۲۰۲۳ Accept Data: ۱۱/۹/۲۰۲۳

In the field of human communication, the relationship between two attractive and attracted individuals -far more than a conventional relationship- can be the source of psychological-educational changes. As a result of attraction, people reach a state of mania towards an attractive figure and based on such a state, they try to follow that figure. Considering the life and speech of Ahl al-Bayt (pbut) as a source full of religious attractions that lead to human salvation, as well as placing the Valayah of Ahl al-Bayt (pbuh) as the point of focus by Muslim propagators in Islamic propaganda, will pave the way for the audience to follow the example of those nobles. The such attraction includes various fields of material and spiritual, personal and social life. As a result, the believers' passion for Ahl al-Bayt (pbut) calls faithful believers to follow their instructions more appropriately. But how does such attraction come about and what process does it go through to manifest its educational effects? This research aims to examine the mission of Muslim propagators and preachers in propagating and promoting Islamic teachings, concentrating on the attraction due to the Valayah of Ahl al-Bayt (pbut). Such a goal will be clarified by explaining how people are fascinated by this Valayah and clarifying the educational role and psychological effects of that fascination in life. The research method is a combination of descriptive-analytical methods and qualitative content analysis in an

exploratory-inferential manner. As a result, the more diligent and successful the religious propagators are in acquainting the audience with the transcendental status of the Ahl al-Bayt (pbut), the followers of the Ahl al-Bayt (pbut) will be more attracted to the Valayah of those nobles, and as a result, they will congregate better and more visible with them in opinion and action.

Keywords: attraction, the attraction of the Valayah, psychological-educational role, the mission of Muslim propagators, religious propagation.

تبليغ الدين بالتركيز على الدور النفسى ـ التربوى لجذبة ولاية أهل‌البيت

سيدأحمد رهنمايى

الإستلام: ۱۴۴۴/۱۲/۳ القبول: ۱۴۴۵/۲/۲۵

على نطاق العلاقات البشرية، تشكل العلاقة بين الشخص الجاذب والمجذوب أساسا للتغييرات النفسية ـ التربوبية أضعاف ما هى عليها فى العلاقات الأخرى. الإنسان يصاب بالانبهار تجاه الشخصية الجاذبة نتيجة هذه الجذبة وبالتالى يحاول اتبّاع تلك الشخصية. نظرا لأنّ سيرة أهل‌البيت وأقوالهم مليئة بالجاذبية الولائية فى الهداية إلى السعادة البشرية، فجعلُ ولاية أهل‌البيت من قبل مبلغى الدين فى مجال التبليغ الإسلامى أساسا للعمل سيعبّد الطريق فى اختيار هؤلاء الكرام أسوة للمتلقّين. تشمل هذه الجذبة مجالات مختلفة فى الحياة المادية والمعنوية والفردية والاجتماعية. إذن إن انبهار المؤمنين بأهل‌البيت يدعوهم إلى اتّباع تعاليمهم بأسلوب حسن. لكن كيف تتحق هذه الجذبة وتمرّ بأى مراحل لتتبلور من خلالها الآثار التربوية؟ يهدف هذا التحقيق إلى دراسة رسالة مبلغى الدين فى تبليغ وترويج التعاليم الإسلامية بالتركيز على الجذبة الولائية لأهل‌البيت من خلال منهج تحليل المضمون و بالتأكيد على الأدواة التحريرية والبحثية. تتحقق هذه الغاية عبر تبيين كيفية انبهار الإنسان بأهل‌البيت والدور التربوى والآثار النفسية لهذه الجاذبية فى الحياة. يتكوّن منهج البحث من الأسلوب التوصيفى ـ التحليلى وتحليل المضمون الكيفى بشكل اكتشافى ـ استنتاجى. والنتيجة هى أن كلّما سعى و وُفّق مبلغو الدين فى تعريف المكانة الرفيعة لولاية أهل‌البيت إلى المتلقّين، سوف يزداد ميل أتباع أهل‌البيت إلى ولاية هؤلاء الكرام، وبالتالى سوف يتحقق التقارب بينهم فى الرأى والعمل أكثر.

الكلمات المفتاحية: الجذب والانجذاب، جذبة الولاية، الدور النفسى ـ التربوى، رسالة المبلغين، التبليغ الدينى.

تبلیغ دین با محوریت نقش روان‌شناختی ـ تربیتی جذبه ولایت اهل بیت

سیداحمد رهنمایی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۴/۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۶/۲۰

چکیده

در عرصه ارتباطات انسانی، ارتباط مابین شخص جاذب و مجذوب به‌مراتب بیش از یک ارتباط متعارف می‌تواند منشأ تحولات روان‌شناختی ـ تربیتی باشد. انسان‌ها در اثر جذبه به حالتی از شیدایی نسبت به عامل جذاب می‌رسند و در اثر چنین حالتی می‌کوشند تا از وی پیروی کنند. نظر به اینکه سیره و گفتار أهل‌البیت سرشار از جاذبه‌های ولایی رهنمون به سعادت بشر است، محور قرار گرفتن جذبه ولایی اهل بیت توسط مبلغان دین در تبلیغ اسلام راه را برای الگوگیری مخاطبان از آن بزرگواران هموارتر خواهد ساخت. چنین جذبه‌ای عرصه‌های گوناگون زندگی را دربرمی‌گیرد؛ درنتیجه شیدایی مؤمنان نسبت به اهل بیت آنان را به‌گونه‌ای شایسته‌تر به پیروی از رهنمودهایشان فرا می‌خواند، اما چنین جذبه‌ای چگونه حاصل می‌گردد و چه فرایندی را طی می‌کند تا آثار تربیتی خود را بروز دهد؟ مقاله حاضر در پی تبیین چگونگی شیفتگی به اهل بیت و نقش تربیتی و تأثیرات روان‌شناختی این شیفتگی در زندگی انسان است.

روش تحقیق ترکیبی از روش‌های توصیفی ـ تحلیلی و تحلیل محتوای کیفی به‌صورت اکتشافی ـ استنتاجی است. حاصل اینکه هر اندازه مبلغان دینی در آشناسازی مخاطبان با با جایگاه رفیع ولایت أهل‌البیت کوشاتر و موفق‌تر عمل کنند، پیروان أهل‌البیت بیشتر مجذوب ولایت آن بزرگواران خواهند شد و درنتیجه همگرایی شان درنظر و عمل با ایشان بهتر و مشهودتر خواهد بود.

واژگان کلیدی: جذب و انجذاب، جذبه ولایت، نقش روان‌شناخی ـ تربیتی، رسالت مبلغان، تبلیغ دین.

مقدمه

خداوند از بدو آفرینش در وجود حضرت آدم دو نیروی جذبه نهاد؛ یکی به‌سمت خدا و ستایش او و دیگری به‌سمت همنوع و همسرش حضرت حوا بشر بدین‌ترتیب مجهز به اسباب جذب و انجذاب روحی ـ روانی و بدنی ـ جسمانی آفریده شد، به‌گونه‌ای که نخستین مورد چنین حالتی در میل پرستش به معبود حقیقی و دومین مورد آن در تمایل متقابل حضرت آدم و حوا نسبت به یکدیگر به منصه ظهور رسید. با خلقت انسان ابزار و وسایل جذب؛ یعنی غریزه و فطرت و حس و احساس و عقل دراختیارش قرار گرفت تا به کمک آنها خواسته خویش را با جذب و انجذاب تأمین کند. ازسوی دیگر، خداوند در برقراری ارتباط دو سویه با بندگان خویش از میان همه اوصاف دو وصف «الرحمن» و «الرحیم» را برگزید تا به مصلحت و خیر و سعادت بندگان هرچه بیشتر زمینه شیفتگی و جذب آنان را به‌سمت خویش فراهم آورد. در اثر این جدب و انجذاب، حالتی در انسان پدید می‌آید که دایره‌اش از میل به پرستش خدا تا پایین‌ترین سطح زندگی انسان را دربرمی‌گیرد. افزون‌براین زیبایی‌های سیره و فرهنگ ولایی اهل بیت مهم‌ترین عامل جذب و ارادت بسیاری از آحاد انسانی به منش و خُلق و خوی آن بزرگواران به‌شمار می‌رود. این کلام حضرت امام رضا را باید معیار روشنی در راستای جذب دل‌های آماده و جان‌های شیفته حقیقت قرار داد که فرمود: «رَحِمَ اللّه عَبْداً أحْیا أمْرَنَا فَقُلْتُ لَهُ وَ کیفَ یحْیی أمْرَکمْ قَالَ یتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَ یعَلِّمُهَا النَّاسَ فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا مَحَاسِنَ کلَامِنَا لَاتَّبَعُونَا» (ابن‌بابویه، ۱۳۷۸، ج۱، ص۳۰۷). «خداوند بنده‌ای را که امر ما را زنده گرداند مشمول رحمت خویش قرار دهد» از امام پرسیدم چگونه بنده خدا امر شما را زنده گرداند؟ فرمود بدین‌گونه که معارف ما را فراگیرد و به مردم بیاموزاند، چنانچه مردم زیبایی‌های گفتار ما را فهم کنند، به‌طور قطع از ما پیروی خواهند کرد. یا این روایت «رَحِمَ اللّه عَبْداً حَبَّبَنَا إِلَی النَّاسِ وَ لَمْ یبَغِّضْنَا إِلَیهِمْ وَ ایمُ اللّه لَوْ یرَوْنَ مَحَاسِنَ کلَامِنَا لَکانُوا أعَزَّ وَ لَا اسْتَطَاعَ أنْ یتَعَلَّقَ عَلَیهِمْ بِشَیءٍ» (امام رضا، ۱۴۰۶، ص۳۵۶). خداوند بنده‌ای را که موجب گردد ما محبوب مردم و نه مبغوض

آنان باشیم مشمول رحمت خویش قرار دهد. به خداوند سوگند چنانچه مردم زیبایی‌های گفتار ما را می‌یافتند عزت بیشتری پیدا می‌کردند و هیچ عاملی بر آنان چیره نمی‌گشت.

در همین راستا، اهل بیت؟ که خودشان مجذوب خدا هستند مجذوب پیروان راستین خویش واقع می‌شوند. دراین‌میان آن تعداد از افراد که کم و بیش با فرهنگ ولایت الهی آشنا گشته‌اند به‌تدریج آنقدر مجذوب چنین فرهنگی شده‌اند که حتی در مواردی به مقام ذوب و فنا رسیده‌اند و در جایگاه محبت و بندگی خدا و پیروی از اولیاء الهی پیشاهنگ خلق خدا گشته‌اند. تحقیق حاضر درصدد است بررسی کند که اولاً جذب و انجذاب مزبور بر اساس چه ساختار و فرایند روان‌شناختی حاصل می‌گردد وثانیاً مبلغان دینی با ایفای رسالت تبلیغی خود چگونه اثر تربیتی ماندگار این حالت در وجود مخاطبان با ایمان به منصه ظهور می‌رسد؟

۱. مفهوم‌شناسی جذبه

با مراجعه به فرهنگ واژگان، در بررسی مفهوم لفظی و لغوی جذبه مفاهیمی چون کشش قلبی، برکشیدن بنده توسط خدا، کششی از عالم غیب، فتوحات و کشف‌های ناگهانی قلب، ترک وابستگی‌ها، بنده را نزدیک ساختن به خود توسط خدا، و.. (ر.ک: دهخدا، واژه «جذبه») قابل پیگیری است. در همین راستا، مفاهیمی چون «دلربایی، گیرایی، ملاحت، سلطه، انجذاب، خلسه» زمینه درک و تداعی حقیقت جذبه را بیشتر فراهم می‌آورند.

با این اوصاف، نیروی جذبه سنخ نیرویی است که بدون اتصال ظاهری بین جاذب ومجذوب، از یک جسم یا یک شخص بر جسم یا شخص دیگر تأثیر گذاشته، آن جسم یا آن شخص را به‌سمت خود می‌کشاند. این تأثیر و تأثیرگذاری از باب انطباع است بدین‌معنا که یکی تأثیر می‌گذارد و دیگری تأثیر می‌پذیرد. ابن‌منظور در تجزیه و تحلیل مفهوم جذب بیش از همه بر سه معنای کشش و ربایش و بریدگی تأکید

می‌ورزد (ابن‌منظور، حرف الجیم: جذب). بنابر تعریفی دیگر، جذبه به مفهوم گیرایی، کشش، کشش غیبی به «حالتی در شخص عارف و خداپرست» تعریف شده است «که از خود بی‌خبر شده و به‌سوی حق کشیده می‌شود» شعر جامی شاهد مثال روشنی برای این معنا و این حالت است: «گفتی که شدی ز عشق مفتون / وز جذبه عاشقی دگرگون» (عمید، ۱۳۸۷، واژه «جذبه»)؛ به‌عبارت‌دیگر «جذبه در لغت کشش و گیرایی است و در اصطلاح تقرب و نزدیکی بنده است به خدای تعالی، بدون طی منازل و مراحل معمول در سلوک» (امام خمینی، ۱۳۸۷).

۲. جذبه ولایی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا

روان‌شناسان مثبت‌گرا بر این باورند که روان‌شناسی مثبت‌گرا با نفوذ به زندگی روزمره مردم می‌تواند «راه‌های داشتن زندگی بهتر را به آنان معرفی نماید». افزون‌براین درصددند بدانند چگونه خوش‌بینی و امید بر سلامتی فرد تأثیر می‌گذارند، چه چیزی مایه خردورزی است و چگونه استعداد و خلاقیت به ثمر می‌نشیند. این رویکرد روانشناختی درواقع مدعی است که با تمرکز بر صفاتی نظیر امید، عقلانیت، خلاقیت، شجاعت، معنویت، مسئولیت و مقاومت می‌توان به زندگی معنا بخشید و شادی و نشاط را به‌ارمغان آورد.

تاکنون مقالات فراوانی در قلمرو روان‌شناسی مثبت‌گرا، به زبان‌های گوناگون ازجمله انگلیسی و فارسی انتشار یافته است. بیشتر این آثار صرفا بر بهینه‌سازی زندگی و ایجاد و گسترش شادکامی و نشاط تأکید می‌ورزند و با فرهنگ سازنده و تعالی‌بخش الهی ـ ولایی سروکاری ندارند و از نقش و جایگاه نگرش و بینش و گرایش ایمانی آن هم از جنس ایمان به مبدأ و معاد و کتب و پیامبران الهی یا هیچ یا به ندرت سخن رانده‌اند. دراین‌میان هستند آثاری چون الگوی اسلامی شادکامی با رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا که با جهت‌گیری مذهبی آن هم ازمنظر توحیدی و زندگی موحدانه بر نقش ایمان در ایجاد آرامش روانی تأکید می‌ورزند (پسندیده، ۱۳۹۲، ص۱۲۰). ارزش‌هایی چون امیدواری، معنویت‌گرایی، خردورزی، حقیقت‌جویی،

مسئولیت‌پذیری، کمال‌طلبی، دوراندیشی، صبرپیشگی، توکل و نظایر آن همه در روان‌شناسی مثبت‌گرای ناظر به فرهنگ ولایی به‌مراتب بیش از روان‌شناسی مثبت‌گرا در فرهنگ سکولار مورد تأکید و بهره‌برداری هستند.

به‌عبارتی، هنر روان‌شناسی مثبت‌گرا در این است که با نفوذ در زندگی روزمره انسان‌ها، راه‌های زندگی شایسته‌تر و متعالی‌تر را به آنان بیاموزد تا چه‌بسا بتوانند با تمرکز بر ارزش‌های فوق به زندگی معنا بخشند و اسباب نشاط و رضایتمندی در زندگی را فراهم آورند. دراین‌میان آنچه که در مقایسه با شادی و نشاط و امیدواری عاجل مادی و دنیوی، از قدرت پایداری بیشتری برخوردار است ارزش‌هایی است که در پرتو فرهنگ ولایی مثبت‌گرا قابل دستیابی است. دستمایه اصلی این فرهنگ حالت جذب و انجذابی است که از جانب خداوند و اولیاء الهی بر مبنای قاعده لطف و حکمت و از جانب انسان بر پایه نیاز به عنایات الهی و شفاعت اولیاء او پدید می‌آید. روان انسان از طرق گوناگونی چون ادراکات غریزی، حسی، عقلی و فطری مجذوب فرد یا افرادی می‌شود که به‌نظر وی برخوردار از ظاهر و صفات و رفتار یا خلق و خوی برانگیزاننده و جذاب می‌باشند.

نمونه حالتی از جذب و انجذاب را می‌توان از باب مثال در بروز و ظهور غریزه گرسنگی و تشنگی و ترس و هراس یافت که انسان را به‌سمت تدارک آب و غذا ویافتن پناهگاه می‌کشاند یا در مشاهده یک منظره جذاب و زیبا یا در شنیدن یک صوت دلنشین روح افزا سراغ گرفت که او را فریفته و شیفته آن منظره یا آن صدا می‌کند یا در میل فطری به حقیقت و پرستش جست‌وجو کرد که انسان را به‌سمت شناخت راه‌های کشف حقیقت و شناخت معبود حقیقی سوق می‌دهد. وی همچنین با درک عقلانی از سعادت، مجذوب راهکارهای نیل به سعادت می‌شود. خداوند منان به فضل و احسان و حکمت خویش عشق به پاکی‌ها و کمالات را در وجود ما انسان‌ها به ودیعت سپرده است تا از برکت آنها کمال بهره‌برداری را داشته باشیم. انسان‌ها با یک چنین پشتوانه قوی غریزی و حسی و فطری و عقلانی، مجذوب

حقایق، افراد و اشیاء و مناظر و اصوات می‌گردند. تحقق این امور ضرورت آشنایی مبلغان اسلامی با روان‌شناسی مثبت‌گرا را ایجاب می‌کند.

روان انسان در اثر جذبه به حالتی دست می‌یابد که طی آن قلب شخص مجذوب توجهش به‌طور کامل مصروف کسی یا چیزی است که در نظرش جذاب جلوه کرده است. چنین شخصی در این حالت، ضمن توجه محض به آن فرد یا آن شئ، نسبت به هر آنچه در اطرافش می‌گذرد بی‌توجه است، به‌گونه‌ای که اشیاء و اشخاص ازنظر او غایبند، گو اینکه اصلا حضور ندارند. این حالت در مثال مانند حالت انسان عارف سالکی است که با اتصال به جهان ماوراء، توجه به عالَم ملکوت در جان او آشکار و متجلی خواهد بود درحالی‌که هرچیز دیگری غیر از آن در نظرش غایب است. این امر بستگی به اهتمام ویژه‌ای داردکه انسان نسبت به حضور قلب در پیشگاه خداوند یا نسبت به اولیاء او به‌کار می‌بندد. به هر میزان که حضور قلب بیشتر و زیادتر باشد، دیگر امور و اشیاء و اشخاص در نظرش غایب‌تر خواهند بود وگرنه همان‌گونه که از آیات قرآن و دعاها و مناجات و رهنمودهای معصومان؟ برداشت می‌شود، خداوند از شدت ظهور هرگز غایب و دور ازنظر نخواهد بود و نیازی به ارائه دلیل و راهنما برای اثبات ظهور و نزدیک بودنش احساس نخواهد شد. مؤمنان با بصیرت او را حاضر و ناظر بر خویش می‌یابند و از محبت او توشه برمی‌گیرند تا گرفتار خسران ابدی نگردند (ابن‌طاووس، ۱۴۰۹، ج۱، ص۳۴۹).

نماز با حضور قلب یکی از راه‌های درک این مضامین بلند معنوی و عرفانی است. صدر المتألهین در شرح خویش بر اصول کافی راجع به نماز اظهار می‌دارد: «بر خردمندان با بصیرت و با هدایت و نه بر بندگان هوای نفس، پوشیده نیست که نماز کامل دارای مضامین و ویژگی‌هایی است که در هیچ‌یک از خوبی‌ها و عبادات ظاهری یافت نمی‌شوند» (صدرالدین شیرازی، ۱۳۸۳ ج۱، ص۴۷۹). در تفسیر ایشان، حضور قلب، تفهم، تعظیم، هیبت، امید و حیاء شش خصلت با شرافت و شش حالت شایسته و ملکات بزرگی هستند که تنها در وجود انسان با ایمانی یافت می‌شوند که

خداوند دلش را به نور معرفت و ایمان آزموده باشد (همان). به‌نظر صدر المتألهین، حضور قلب هنگامی حاصل می‌گردد که دل از غیر آنچه که شخص با وی همراه و همنشین و هم کلام است فارغ و آگاهیش نسبت به او حاضر و فعال باشد و اندیشه‌اش به‌سمت و سوی غیر او جریان نیابد. دراین‌صورت همین که فکرو خیالش از غیر بر حذر ماند و در دلش به یاد موجود مورد نظر باشد و از او غافل نگردد، حضور قلب معنا و وجود می‌یابد (همان).

بدیهی است برای مبلغان اسلام در تبلیغ معارف دینی، افزون بر نماز و مضامین بلند آن، دستاویزهای فراوانی برگرفته از قرآن و رهنمودهای اهل بیت وجود دارد که انسان با اتکاء به هریک میتواند به کمال و سعادت برسد و از هر دستاویز دیگری بی‌نیاز شود از میان همه آن دستاویزها، جذبه ولایی اهل بیت السلام فرد شیدا و شیفته آنان را به مرتبه‌ای میرساند که با حضور قلب نسبت به آن بزرگواران و توجه و توسل به ساحت ایشان راهی را طی خواهد کرد که راهنمایش پیامبر و امامان معصوم هستند اینها همه فرصت‌های مناسبی را دراختیار مبلغان قرار میدهند تا به پشتوانه آنها راه کمال و سعادت را به مخاطبان بیاموزانند و آنها را از گرفتار آمدن به شرور و آفات و فتنه‌های شیطانی برهانند.

جاذبیت یک فرد درنظر فرد دیگر قبل از هرچیز به انس و الفت و اتصال روانی فرد مجذوب نسبت به فرد جاذب تفسیر می‌شود. این واقعیت روان‌شناختی در روایات معصومان انعکاس ویژه‌ای یافته است؛ ازجمله حضرت علی می‌فرماید: «ارواح همچون سپاهیان دسته‌بندی شده هستند که اعضای هر دسته‌ای به یکدیگر به هم پیوسته‌اند. پس افراد یک دسته که یکدیگر را می‌شناسند مأنوس یکدیگرند ولی اعضایی از دسته‌های مختلف که نسبت به یکدیگر آشنایی ندارند از یکدیگر فاصله می‌گیرند (منسوب به امام جعفر صادق، ۱۴۰۰، ص. ۱۵۶ ـ ۱۵۷). همچنین از حضرت امام صادق روایت شده که فرمود: «ارواح حکم سپاهیان رده‌بندی شده را دارند که به‌هنگام روبه‌روشدن با یکدیگر، همانند اسبان یکدیگر را استشمام می‌کنند،

چنانچه بوی آنان برای یکدیگر آشنا باشد، با هم انس می‌گیرند، اما چنانچه برای هم ناآشنا باشند، یکدیگر را رها می‌کنند» امام در ادامه می‌فرماید: «اگر مؤمنی به مسجدی وارد شد که در آن افراد بسیاری حضور دارند، روح وی به جانب کسی روان و متمایل می‌گردد و کنار کسی می‌نشیند که مثل خود او اهل ایمان باشد» (کوفی اهوازی، ۱۴۰۴، ص۳۹). پیرو روایت دیگری بدین لحاظ، مؤمنان در ابراز عواطف و احساسات نسبت به یکدیگر حکم پیکره واحدی را دارند که چنانچه یکی از اعضای آن از درد شکایت کند سایر اعضا با آن همدردی خواهند کرد (همان).

تشابه دو فرد یا جمعی از افراد در صفات شخصیت، به ضمیمه علاقه بینا فردی و اجتماعی دو عامل مهم و برجسته در فرایند جذب و انجذاب به‌شمار می‌روند. علاقه اجتماعی ازجمله گرایش‌هایی است که «در هرکسی بالقوه وجود دارد، اما قبل از اینکه بتواند به سبک زندگی سودمند کمک کند، باید پرورش یابد» (فیست و فیست، ۱۳۸۶، ص۹۴). علاقه اجتماعی در وجود نوزاد انسان از همان ماه‌های اولیه نوباوگی ازطریق رابطه والدین ـ فرزندی شکل می‌پذیرد؛ بدین‌ترتیب بذر علاقه اجتماعی از آغاز طفولیت در نهاد انسان کاشته می‌شود (ر.ک: همان).

صفات شخصیت اما با تأخیردر سنین بالاتر و به مرور زمان در اثر مداومت شخص بر رفتار مبتنی بر الگوی نسبتا پایدار متناظر به اوضاع واحوال و ویژگی‌های درونی و خُلقی وی ظهور می‌یابند. صفات شخصیت از جنبه تربیتی به‌ویژه تربیت اخلاقی بسیار مورد توجه قرار می‌گیرند چراکه در برقراری روابط و معاشرت بینافردی و اجتماعی نقش بارزی ایفا می‌کنند. افزون‌براین در بسیاری از امور، داوری درمورد اشخاص و ملقب‌کردن آنان به القاب خاص بر پایه همین صفات صورت می‌پذیرد، تاآنجاکه حتی در گزینش افراد برای مناصب و مسئولیت‌ها و رشته‌ها و گرایش‌های تحصیلی و شغلی و احیانا تشکیل خانواده و زندگی مشترک این صفات شخصیت هستند که مورد توجه و بررسی ویژه قرار می‌گیرند (ر.ک: گروه نویسندگان، ۱۳۷۵، ج۲، ص۱۷۵).

به موازات علاقه‌مندی افراد نسبت به یکدیگر، صفات شخصیتشان درصورت تشابه با یکدیگر موجب گرایش آنان به یکدیگر خواهد شد؛ بدین‌ترتیب هر اندازه در بررسی صفات شخصیت تشابه بیشتری میان دو فرد یا افراد لحاظ شود، کشش آنها به‌سمت یکدیگر بیشتر و قوی‌تر خواهد بود. هنگامی که این کشش روانی ـ عاطفی شدت یافت، جذب و انجذاب صورت خواهد پذیرفت تا حدی که فرد چه‌بسا به اصطلاح ذوب در وجود شخص مورد علاقه شود. مقام عرفانی «فنا» از همین باب درواقع ناشی از کششی است که مابین جاذب و مجذوب برقرار و تثبیت گردیده است.

مبلغان دینی لازم است در میادین تبلیغ دین نسبت به این امور و نظایر آنها در ارتباط با جذب و انجذاب روحی –روانی و روحانی –معنوی از درک و فهم مناسبی برخوردار باشند تا بتوانند مخاطبان خود را نیز آگاهی بخشند و طعم شیرین پیروی از معارف قرآن و أهل‌البیت را به کام آنان بچشانند.

۳. ظرفیت ولایت أهل‌البیت در هدایت انسان

مبلغان دینی درخصوص رابطه شیعیان با اهل بیت نیز نباید از نقش دو عامل برجسته صفات برجسته شخصیت أهل‌البیت و میزان علاقه‌مندی افراد به آنان و کمالاتشان غافل بمانند؛ ازاین‌رو میزان گرایش افراد به آنان بر اساس میزان علاقه‌مندی و اشتیاق و کششی که در سخن و سلوک و رفتار نسبت به خُلق وسیرت أهل‌البیت مشاهده می‌شود تعیین می‌گردد. هرچه اشتیاق بیشتر باشد، انسان به حالت جذبه نزدیک‌تر خواهد بود. پیروی اهل ایمان از معصومان زمینه تشابه به آنان در خلق و سیرت و صفات شخصیت را فراهم می‌آورد و تا آنجا قوت می‌یابد که حشر و نشر انسان در دنیا و آخرت با آنان خواهد بود. در توصیف شأن و جذابیت معصومان به‌نظر می‌رسد واژه «ولایت» ازجمله واژگان رسا و گویایی است که جایگاه آن بزرگواران را می‌توان با آن توصیف نمود.

جذبه ولایت هرکسی را فرا گرفت بی‌تردید او را به مسیر درست هدایت خواهد کرد. مقام ولایت با همه ویژگی و کمالاتی که برایش منظور میگردد نقش عاملی فعال را در جذب افراد ایفا میکند و موجب می‌گردد جانهای اماده بر اساس فهم و درک خویش تحت تأثیر جاذبه‌های صوری و معنویش مجذوب کمالات آن مقام شوند. مبلغان به منظور بهتر شناساندن جایگاه ولایت و ظرفیت گرایش ولایی می‌توانند توجه خوانندگان را به مفاد و مدلولات تربیتی دو روایت زیر جلب نمایند:

۱. قَالَ رَسُولُ اللّه قَالَ اللّه جَلّ جَلَالُهُ لَوِ اجْتَمَعَ النّاسُ كُلّهُمْ عَلَى وَلَايَةِ عَلِي مَا خَلَقْتُ النار (صدوق، ۱۳۷۶، ص۶۵۷) پیامبر فرمودند: «خداوند می‌فرماید: چنانچه مردم به‌طور همگانی بر محور ولایت علی گرد می‌آمدند، آتش جهنم را نمی‌آفریدم».

۲. عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ فِی قَوْلِهِ تَعَالَی: «وَ أَنْ لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطّرِيقَةِ لَأَسْقَيْناهُمْ ماءً غَدَقاً»، قَالَ: يَعْنِی لَوِ اسْتَقَامُوا عَلَى وَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِی وَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ، وَقَبِلُوا طَاعَتَهُمْ فِی أَمْرِهِمْ وَ نَهْيِهِمْ لَأَسْقَيْناهُمْ مَاءً غَدَقا. يَقُولُ: لَأَشْرَبْنَا قُلُوبَهُمُ الْإِيمَانَ. وَالطّرِيقَةُ هِیَ الْإِيمَانُ بِوَلَايَةِ عَلِی وَ الْأَوْصِيَاءِ (کلینی، ۱۴۲۹، ج۱، ص۵۴۶ـ۵۴۷). حضرت امام محمد باقر در تفسیر این آیه از قرآن که اگر اهل ایمان بر راه خداوند استوار بمانند آنان را از آب فراوان سیراب خواهیم ساخت»، میفرمایند: «یعنی اگر اهل ایمان بر ولایت امیرالمؤمنین و جانشینان ایشان در از فرزندانشان پایدار بمانند و فرمانبردار امر و نهیشان باشند ... دلهایشان را سرشار د به از ایمان خواهیم ساخت چه اینکه طریقه در این آیه یعنی ایمان به ولایت علی و جانشینان ایشان.

به مفاد روایت نخست اهمیت جذبهٔ ولایت و بهای مجذوب‌شدن انسان به مقام ولایت تا حدی است که موجب برچیده‌شدن جهنم از جهان هستی نیز خواهد شد و بنا بر روایت دوم مالامال‌شدن دل انسان از ایمان و ولایت معصومان ارمغان استقامت در راه خداست، اما این جایگاه ولایت را که انسانها مجذوب آن می‌شوند و به‌واسطه آن به سعادت می‌رسند و وارد بهشت می‌گردند چه کسی جز خداوند به آن

بزرگواران عطا فرموده است؟ بدیهی است جایگاه ولایت را باید کسی به معصومان اعطا کند که خودش کانون و محور و قطب ولایت باشد و او کسی جز خداوند نیست و بهتر از هرکسی می‌داند رسالت و ولایت خویش را به چه کسی اعطا فرماید.

آن نمونه روایاتی که منشأ خلقت شیعیان را به سرشت أهل‌البیت مرتبط می‌دانند و وجود شیعیان را منوّر به نور ولایتشان برمی‌شمرند (هاشمی خوئی، ۱۴۰۰، ج۱۴، ص۱۰۳)، نشان می‌دهند که وجود شیعه حقیقی از وجود معصومان بهره می‌برد و به‌دلیل شدت ارتباط سرشار از محبتی که با آنان برقرار می‌کند، قلب شیعه راستین همواره مجذوب شخصیت و منزلت آنان خواهد بود. فراتر اینکه شیعه کمال‌یافته به کمالات خاندان عصمت چه‌بسا از شدت محبت و ولایت به آن بزرگواران در وجود آنان به اصطلاح ذوب شود و در برابرشان وجودی برای خود منظور ندارد. حضرت علی خطاب به کمیل می‌فرماید: یا کمَیلُ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَکنْ مِنَّا (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴، ص۱۷۱)، ای کمیل! (حقیقت و دانایی را) به جز از ما مگیر تا اینکه از زمره ما باشی. بر اساس این رهنمود، انسان با ایمان بیش از هرچیزی باید سعی کند حقیقت و ارزش‌ها و مکارم اخلاقی و صفات شخصیتی را از أهل‌البیت الگو برداری و دریافت کند تا مانند آنان و همراه آنان و ازجمله آنان گردد و این مهم بیش از هرچیز ازطریق تشبه به آنان به دست می‌آید. حضرت علی فرمود: مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ عُدَّ مِنْهُمْ (ابن‌حیون، ۱۳۸۵، ج۲، ص۵۱۳)، هرکسی خویشتن را مشابه گروهی سازد ازجمله آنان شمرده خواهد شد. آن امام همام در جای دیگری می‌فرماید: إِنْ لَمْ تَکنْ حَلِیماً فَتَحَلَّمْ فَإِنَّهُ قَلَّ مَنْ تَشَبَّهَ بِقَوْمٍ إِلَّا أَوْشَک أَنْ یکونَ مِنْهُم (شریف الرضی (صبحی صالح)، ۱۴۱۴، ص۵۰۶)، اگر بردبار نیستی، شیوه بردباران پیشه کن چراکه کم اتفاق می‌افند شخصی خود را شبیه گروهی درآورد مگر اینکه زود است که جزو آنان گردد.

به بیانی که گذشت، پذیرش ولایت اهل بیت ازجمله در برگیرنده گرایش‌های روانی مثبتی است که زمینه تربیت‌یافتن به تربیت آنان را برای شخص ولایتمدار

فراهم می‌آورد، همچنان که بیزاری جستن از دشمنان اهل بیت شخص را از گرفتارشدن به صفات شخصیت دشمنان رهایی می‌بخشد. اساس تربیت ولایی در پرتو جذب و انجذاب روانی و رفتاری با همگون‌شدن متربی با مربی تناسب دارد.

دراین‌راستا، سرگذشت مبلغانی چون رهیافتگان به مقام ولایت معصومان پس از بصیرت‌یافتگی نشان می‌دهد که چگونه و بر اساس چه تحولات فکری و روانشناختی بر امر ولایتمداری پایدار و پایبند مانده‌اند و اسباب هدایت و بصیرت و تربیت ولایی دیگران را نیز فراهم ساخته‌اند. شیخ ابراهیم یعقوب زکزاکی (۱۹۵۳ م)، رهبر جنبش اسلامی شیعیان نیجریه، پروفسور محمد سماوی تیجانی (۱۹۴۳ م)، استاد دانشگاه اهل تونس و عصام یحیی عماد (۱۹۶۸ م)، محقق علوم اسلامی از اهالی عربستان سعودی سه نمونه شخصیت برجسته رهیافته به ولایت اهل‌البیت هستند که تاکنون عامل هدایت و بصیرت میلیون‌ها نفر بوده‌اند. این شخصیت‌ها و ده‌ها نمونه دیگر مانند آنان نخست از جنبه روانشناختی تحت تأثیر جاذبه‌های فکری و کلامی و رفتاری أهل‌البیت قرار گرفتند، سپس به اسلام ناب محمدی گرویدند و بر این مبنا به تربیت ولایی ملتزم شدند.

پدیده جالب روزگاران اینکه بسیاری از ناآشنایان با اسلام تنها با یک بار مراجعه به قرآن یا نهج‌البلاغه یا خواندن و شنیدن آیاتی از قرآن یا دعایی از دعاهای صحیفه سجادیه به اسلام ناب گرویده‌اند. مگر نبود که تعداد زیادی از مردم در نواحی مختلف دنیا با شنیدن صوت زیبای آیات قرآن توسط قاری خوش‌نوایی چون عبدالباسط (۱۹۲۷ ـ ۱۹۸۸) مجذوب قرآن شدند و به برکت علاقه‌مندی به قرآن به اسلام گرویدند؟

«در نیویورک که بودم، یک روز در کتابخانه دانشگاه ... چشمم افتاد به قرآن ... کنجکاو شدم که ببینم در آن چه چیزی آمده است ... شروع کردم به ورق زدن و آیاتش را به انگلیسی خواندم. احساس کردم که این کلمات، کلمات نورانی است و نمی‌تواند گفته بشر باشد. خیلی تحت تأثیر قرار گرفتم، بیشتر مطالعه کردم و

احساس کردم که آن را می‌فهمم و تعالیمش را قبول دارم .. (انجمن اسلامی شهیدادواردو آنیلی (مهدی)، [بی‌تا])»

این نمونه پدیده‌های زیبا نشان می‌دهند چنانچه دروازه‌های معرفت قرآن و أهل‌البیت به روی بشر باز شود و هیچ رسانه‌ای در جهان چهره اسلام ناب را مخدوش و کریه جلوه ندهد و تبلیغات سوء علیه این دین مبین الهی پایان پذیرد، بسیاری از آحاد بشر مجذوب مرام وکلام آن بزرگواران خواهند شد و درخواهند یافت که کلید گنج سعادت را باید در نزد قرآن و معصومان جست‌وجو کرد.

همه انسان‌ها از استعداد بالایی برای کشف حقیقت برخوردارند. آنان بر حسب گرایش فطری خویش به حقیقت می‌توانند با انگیزه و تلاش و اراده مصمم خویش به حقیقت دست یابند؛ تفاوتی نمی‌کند از چه قوم و قبیله و ملیت و زبان و کشوری باشند. کافی است پژوهشگران عرصه پاکی و رستگاری درمورد اسلام ناب با زبان مفاهمه جهانی و بین‌المللی نسبت به ترویج و نشر قرآن و سیره و سنّت و آثار أهل‌البیت اهتمام ورزند. این اقدام تأثیر بسزایی در معرفی این دو میراث گرانبها و جذب افراد به‌سمت هردو برجای خواهد گذاشت.

فطرت ما انسان‌ها به‌مثابه عنصر کلیدی روان ما در سازگاری کامل با میراث فرهنگی کهن و ریشه‌داری است که بر پایه و به اقتضای آن نه‌تنها می‌توان عشق و ارادت خویش را به ساحت قدسی امامان ابراز داشت، بلکه می‌شود اسباب ترویج و نشر فرهنگ و ارزش‌های الهی و آرمانی تشیع را نیز ازاین‌طریق فراهم آورد.

نتیجه گیری :

جذبه ولایت و آثار تربیتی آن در ساحت‌های گوناگون اخلاقی، فرهنگی، سیاسی و... مطلبی نیست که بشود از کنارش به سادگی گذر کرد. هرکسی خودش با پیوستن صادقانه به ولایت اهل بیت می‌تواند چنین جذبه‌ای را تجربه کند یا آن را در سبک زندگی و رفتار ولایتمداران راستین مشاهده نماید. در هر صورت، مسیر پیوستن به

ولایت خاندان نبوت به روی همه آحاد بشری باز است و هرگز بنا نیست به روی احدی ـ از هر قشر و صنف و نژاد و رنگ و قوم و قبیله و سرزمینی که باشد ـ مسدود گردد. کافی است هر شخصی تا حد توان و متناسب با ظرفیت ادراکی و فطری خویش نسبت به این خاندان و سیره ربّانی آن بزرگواران آشنا شود و افزون‌براین دست کم ازطریق عشق و علاقه به مکارم اخلاقی و رهنمودهای نورانیشان، به‌تدریج نسبت به آنان صادقانه عشق و محبت ورزد، دراین‌صورت مجذوب آنان خواهد شد. این یک اصل غیر قابل انکار فطری است که بر اساس آن شیفتگی یا حتی علاقه انسان نسبت به یک اثر با ارزش و حایز اهمیت تحسین صاحب اثر را در ذهن و روان او برمی‌انگیزاند و درصورت نبود مانع جدی، به‌تدریج او را علاقه‌مند و شیفته صاحب اثر می‌گرداند. کافی است شرایط لازم برای آموزش و تربیت انسان‌ها بر مبنای سیره و منویات معصومان فراهم آید. دراین‌صورت نسبت به امکان جذب و انجذاب می‌توان اطمینان حاصل کرد.

اهل بیت کانون و مظهر باورمندی و اطمینان و امیدواری به فضل و احسان و رحمت بیکران الهی و احساس رضایت‌مندی از زندگی و درک حقیقت و احساس امنیت روانی همراه نشاط و شادکامی و رضایتمندی و حقیقت جویی و امنیت و فرجامی خوشایند هستند. این ارزش‌های ویژه که همه از مقوله‌های مورد تأکید روان‌شناسی مثبت‌گرا هستند، در اثر جذب و انجذاب حاصل از پذیرش ولایت اهل بیت برای انسان ولایتمدار دست‌یافتنی خواهند بود. رسالت آشناسازی افراد و جوامع نسبت به فرهنگ اهل بیت در مرتبه نخست بر دوش مبلغانی گذاشته شده است که خودشان پیش و بیش از هرکسی دیگر با این فرهنگ آشنا شده باشند. تعلل و کوتاهی در رساندن پیام چنین فرهنگ ماندگاری می‌تواند به قیمت محروم ماندن انسان‌ها از قدرت نرم هدایت‌گر ولایت تمام شود. امامان شیعه از جنبه‌های گوناگون آنقدر شایستگی دارند که شرح حالشان به هر زبان و کلامی ـ خواه به زبان و کلام ساده نقلی و روایی و خواه به زبان و کلام فاخر حکمی و هنری و ادبی ـ بیان

و روایت شود یا اوصافشان به هر صورتی ترسیم گردد در نگاه اهلش از جذابیت فوق‌العاده برخوردار خواهد بود؛ بدین‌ترتیب پیشنهاد می‌شود:

الف) به منظور بررسی و تحلیل راهکارهای مناسب و روزآمدِ نشر و ترویج فرهنگ ولایت در ابعاد گوناگون زندگی و تهیه و تنظیم و تدوین منشور کامل ولایت‌مداری در سطوح مختلف علمی و فرهنگی، با دعوت از کارشناسان و پژوهشگران با ایمانِ عرصه سیره أهل‌البیت؟، جلسات هم‌اندیشی برگزار گردد.

ب) نشستی علمی ـ تخصصی درباره شیوه‌های آموزشی ـ تربیتی مرتبط با فرهنگ ولایت بر پایه منشور فوق، نسبت به فراخوانی معلمان و مربیان ویژه جهت شرکت فعال در این دوره‌ها و ارتقاء سطح دانش و معرفت خویش در قلمرو فرهنگ ولایت اقدامات مناسب به عمل آید.

ج) گروهی از میان تهیه‌کنندگان منشور ولایتمداری مسئولیت تدوین درس‌نامه‌هایی مشتمل بر بنیان‌های نظری و رهنمودهای کاربردی در حوزه تربیت ولایی را بر حسب سطوح گوناگون ابتدایی و متوسطه و عالی بر عهده گیرند و این رسالت خطیر را به انجام رسانند.

د) متون درسی دراختیار مراکز و مؤسسات علمی و پژوهشی مردم ـ نهاد قرار گیرد تا بر پایه طرح و برنامه اجرایی مناسب و با بهره‌برداری از این متون، در برگزاری دوره‌ها و جلسات آموزشی ـ تربیتی ویژه، مساعی خویش را به‌کار بندند و از هیچ تلاشی دراین‌راستا دریغ نورزند.

هـ) پس از گذراندن چندین دوره آموزشی ـ تربیتی درخصوص تربیت ولایی و کسب تجربه کافی، لازم است به پشتوانه متون درسی اصلاح شده، روند رسمیت‌یافتن و فراگیرشدن این نوع تربیت در سطوح مختلف آموزش و پرورش عمومی پیگیری شود.

منابع

* قرآن کریم.

** نهج‌البلاغه.

۱. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی؛ الأمالی (للصدوق)؛ تهران: کتابچی، ۱۳۷۶.

۲. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی؛ عیون أخبارالرضا؛ تحقیق و تصحیح مهدی لاجوردی؛ تهران: نشر جهان، ۱۳۷۸.

۳. ابن‌بابویه، محمدبن‌علی؛ من لایحضره‌الفقیه؛ تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق.

۴. ابن‌حیون، نعمان‌بن‌محمد مغربی؛ دعائم‌الإسلام؛ تحقیق و تصحیح آصف فیضی؛ قم: مؤسسه آل‌البیت، ۱۳۸۵ق.

۵. ابن‌شعبه حرّانی، حسن‌بن‌علی؛ تحف‌العقول؛ تحقیق و تصحیح علی‌اکبر غفاری؛ قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ق.

۶. ابن‌طاووس، علی‌بن‌موسی؛ إقبال‌الأعمال؛ تهران: دارالکتب الإسلامیه، ۱۴۰۹ق.

۷. ابن‌منظور، محمدبن‌مکرم؛ لسان‌العرب؛ بیروت: دار صادر و دارالفکر، ۱۴۱۰ق.

۸. اراکی، محسن؛ درآمدی بر عرفان اسلامی؛ قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۰.

۹. اسرافیلی، حسین؛ همایش ملی ـ مردمی شعر ولایت (حدیث سرو)؛ تهران: تالار ایوان شمس، ۱۸ تیر ۱۳۹۲.

۱۰. اسماعیلی، رضا؛ «هشت یادداشت کوتاه درباره ادبیات مقاومت و پایداری»، پایگاه اطلاع‌رسانی فرهنگ ایثار و شهادت؛ ۲۹ آذر ۱۳۹۹.

۱۱. پسندیده، عباس؛ الگوی اسلامی شادکامی: قم: مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، کاری از گروه روان‌شناسی اسلامی پژوهشکده اخلاق و روان‌شناسی اسلامی پژوهشگاه قرآن و حدیث، ۱۳۹۲.

۱۲. پلنگی، محبوبه؛ «آنه ماری شیمل بانوی شرق‌شناس غربی»، پیام زن؛ ش۱۲۱، ۱۳۸۱.

۱۳. تمیمی آمدی، عبدالواحدبن‌محمد؛ تصنیف غررالحکم و دررالکلم؛ تحقیق و تصحیح مصطفی درایتی؛ قم: دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶.

۱۴. جلیلیان مصلحی، مصطفی؛ «تعمیق شعر ولایی در سایه هجرت امام رضا»، خبرگزاری بین‌المللی قرآن (ایکنا) از خراسان رضوی، ۱۳۹۶.

۱۵. جوادی آملی، عبدالله؛ تحریر رسالةالولایة شمس‌الوحی تبریزی؛ ج۲، قم: إسراء، ۱۳۹۳.

۱۶. حکیمی، محمدرضا، محمد حکیمی و علی حکیمی؛ الحیاة؛ ترجمه احمد آرام؛ تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰.

۱۷. سقای بی‌ریا، ناصر و دیگران؛ روان‌شناسی رشد: با نگرش به منابع اسلامی؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، ۱۳۷۵.

۱۸. شریف رضی، محمدبن‌حسین؛ نهج‌البلاغه (للصبحی صالح)؛ قم: هجرت، ۱۴۱۴ق.

۱۹. شیرمرز، رضا؛ فن بیان: تمرین‌های عملی؛ تهران: نشر قطره، ۱۳۹۰.

۲۰. صدرالدین شیرازی، محمدبن‌ابراهیم؛ شرح أصول‌الکافی؛ تحقیق و تصحیح محمد خواجوی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳.

۲۱. عمید، حسن؛ فرهنگ فارسی عمید؛ تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷.

۲۲. غفاری ساروی، مصطفی؛ هدیه مسیح: سیری در زندگی ادواردو آنیلی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲.

۲۳. کلینی، محمدبن‌یعقوب؛ الکافی؛ تصحیح دارالحدیث؛ قم: دارالحدیث، ۱۴۲۹ق.

۲۴. کوفی اهوازی، حسین‌بن‌سعید؛ المؤمن؛ قم: مؤسسة الإمام المهدی، ۱۴۰۴ق.

۲۵. کوفی اهوازی، حسین‌بن‌سعید؛ مؤمن کیست؟ وظیفه‌اش چیست؟؛ تحقیق و تصحیح و ترجمه عبدالله صالحی؛ قم: نورالسجاد، ۱۳۸۶.

۲۶. مجاهدی (پروانه)، محمدعلی؛ گنج گوهر (معرفی و گزیده شعر ولایی از ابولحسن شهیدبلخی تا حکیم ناصرخسرو)؛ تهران: شرکت سهامی کتاب‌های جیبی وابسته به انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۹.

۲۷. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالأنوار؛ تحقیق و تصحیح جمعی از محققان؛ بیروت: دار إحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.

۲۸. مصباح یزدی، محمدتقی؛ اخلاق در قرآن؛ ج۳، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۰.

۲۹. منتظری مقدم، حامد؛ «ایرانیان چرا و چگونه شیعه شدند؟»، مصاحبه با خبرگزاری ابنا؛ کد خبر: ۷۵۲۲۹۹، ۵ خرداد ۱۳۹۸.

۳۰. منسوب به امام رضا، علی‌بن‌موسی؛ الفقه‌المنسوب إلی الإمام‌الرضا؛ تصحیح و تحقیق مؤسسه آل‌البیت، مشهد: مؤسسه آل‌البیت، ۱۴۰۶ق.

۳۱. منسوب به امام صادق، جعفربن‌محمد؛ مصباح‌الشریعهٔ؛ بیروت: اعلمی، ۱۴۰۰ق.

۳۲. نجمی، سیدشمس‌الدین؛ «شاعران ولایی برگزیده در ایران»، ادبیات پایداری؛ ش۳ و ۴، پاییز ۱۳۸۹ و بهار ۱۳۹۰.

۳۳. هاشمی خویی، میرزاحبیب‌اللّه؛ منهاج‌البراعهٔ فی شرح نهج‌البلاغهٔ؛ ترجمه حسن حسن‌زاده آملی و محمدباقر کمره‌ای، تصحیح ابراهیم میانجی؛ تهران، مکتبهٔ الإسلامیه، ۱۴۰۰ق.

۳۴. http://www.irantahgig.ir/?p=۴۸۹۴

۳۵. http://www.irantahgig.ir/?p=۴۸۹۴.

۳۶. https://psycnet.apa.org/doiLanding?doi=۱۰ .
۵. ۱. ۵۵X. ۰۶۶-۰۰۰۳/۱۰۳۷

۳۷. https://psycnet.apa.org/record/۲۰۰۰-۱۳۳۲۴-۰۰۱